

## بررسی اخلاق حرفه‌ای قضا پس از انقلاب اسلامی

مهدی زکوی<sup>۱</sup>، حسن الفتی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

### چکیده:

اجرا کردن قضاوت عادلانه از اصول و اساس جامعه اسلامی می‌باشد. و با توجه به نقش بسزای قضاوت عادلانه در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در این پژوهش به مبانی اخلاق حرفه‌ای قضا در تمدن اسلامی پرداخته می‌شود. شرایط قضاوت در جامعه اسلامی، به گونه‌ای وضع شده است که جان و مال و ناموس مردم به دست افراد ناشایست نیفتد و حقوق فرد و جامعه فدای غرض‌ورزی‌ها و خواسته‌های شخصی یا گروه‌های سودجو و منحرف نشود. پس از بررسی و تحلیل می‌توان گفت: از طریق قرآن کریم و سیره معصومین<sup>(ع)</sup> می‌توان شاخصه‌های مهم اخلاق حرفه‌ای قضا را استخراج کرد، که شامل: رعایت انصاف در دادرسی همراه با اخلاص در عمل و تهذیب نفس، خوش رفتاری و برخورد نیکو، رعایت مساوات و عدالت در دادگری و اجرای حکم، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی نسبت به صاحبان حق، قاطعیت در قضاوت و برخورد با خاطیان. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، سعی شده در زمینه‌های فردی و ساختاری اخلاق حرفه‌ای قضا پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت پیشنهاد ارائه گردد.

**واژگان اصلی:** اخلاق حرفه‌ای، انقلاب اسلامی، عدالت، قضاوت.

## مقدمه

مسئله اخلاق حرفه‌ای امروزه اهمیت زیادی در جامعه به‌خصوص ادارات و نهادهای قضایی دارد. قضات محترم با جان، مال، عرض و ناموس مردم سروکار داشته و با عمل به قوانین، حافظ آن شمرده می‌شوند. بنابراین هرگونه خطا و اشتباهی از سوی آنان ضربات بزرگی بر پیکره دستگاه قضا و جامعه وارد ساخته و اجرای عدالت را زیر سوال خواهد برد. قضات به‌منظور احقاق حق مردم و عدالت محوری و جلوگیری از سوءاستفاده از اختیارات و منصب خویش می‌بایست در چارچوب قانون و مطابق استانداردهای اخلاق حرفه‌ای عمل نمایند. شکایت از عملکرد قضات و ارتکاب جرائم از سوی آنان، بیانگر وجود ایراداتی در دستگاه قضایی و شخصیت قاضی است. تلاش ارگان‌های کنترل‌کننده، تأثیر چشمگیری در کاهش جرائم قضایی نداشته است؛ راهکار مهم آشنایی با اصول اخلاق حرفه‌ای قضات و پرداختن به علل تخلف از این اصول و نتیجتاً ریشه‌یابی وقوع جرائم و تخلفات از سوی قضات است (پهلوان و آرزومند، ۱۳۹۹: ۸۴).

بازوی اجرایی این قوه دادگستری است که با توجه به درجه اهمیت رسالت و نوع خدمت ارائه‌شده از یک‌سو و حجم بالای نیروی انسانی و مراجعان آن از سوی دیگر، مراعات اصول اخلاق حرفه‌ای می‌تواند نقش بسزایی در اثربخشی و موفقیت این نهاد ایفا نماید. چراکه عدالت به‌عنوان رسالت دستگاه قضایی، یک از شاخص‌های اخلاق حرفه‌ای محسوب شده و این نشان از وسعت و گستردگی این سازه دارد. عدالت قاضی، به‌عنوان مبنای اخلاق حرفه‌ای قضاء که زمینه‌ساز «عدالت قضایی» می‌گردد، از دو منظر قابل بحث است: یکی شرط عدالت در قاضی، و دوم عدالت قاضی در انجام قضاوت. بدون شک قاضی عادل می‌تواند مجری عدالت در قضاوت باشد و درحقیقت تحقق عدالت در قاضی زمینه‌ساز تحقق عدالت در قضاء می‌شود. به‌همین جهت است قوانینی که در رابطه با استخدام قضات به تصویب رسیده، همگی عدالت را به‌عنوان شرط تصدی امر قضاء معرفی کرده‌اند.

تاکنون پژوهشی‌های اندکی با این رویکرد و با محوریت این جامعه آماری در ایران صورت گرفته و خلاء پژوهشی در این زمینه احساس می‌شود. لذا این پژوهش به‌دنبال بررسی اخلاق حرفه‌ای قضا پس از انقلاب اسلامی است.

## ۱- تعاریف اخلاق حرفه‌ای

### ۱-۱- لغوی

«اخلاق» جمع «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد. خُلُق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵). اخلاق در اصل واژه‌ای عربی بوده و مفرد آن می‌باشد و در لغت‌نامه به معنای سرشت و سجه به کار رفته است؛ اعم از این که سجه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد یا زشت و ناپسند (ورورایی، سعادت‌ی و هاشمی، ۱۳۹۳: ۳۶).

### ۲-۱- اصطلاحی

در اصطلاح اخلاق حرفه‌ای، به منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد و در تعریف حرفه، آن را فعالیت معینی می‌دانند که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاق خاص است. در واقع اخلاق حرفه‌ای، به عنوان دانش حل مشکلات اخلاقی سازمان و توضیح تعهدات و مسئولیت‌های اخلاقی سازمان عمل می‌کند (صالحی، حسینی درونکلیایی و محمدی، ۱۳۹۶: ۳۸).

## ۲- اخلاق حرفه‌ای قضا

در آداب قضا همان طوری که اشاره شد، نوع مباحث پیرامون مواردی است که قاضی شایسته است آن را در قضاوت رعایت کند یا آنچه را که شایسته نیست، مرتکب گردد. این موارد به عنوان وظیفه و تکلیف برای قاضی و به عنوان واجب یا حرام مطرح نیست، اما اخلاق قضا که ما آن را «اخلاق حرفه‌ای قضا» می‌نامیم، عبارت است از «اخلاق حقوق محور در نهاد قضا» به بیان دیگر: سبک رفتار قضایی بر پایه رعایت حقوق طرف ارتباط که براساس الگوی اخلاق حقوق محور تنظیم می‌یابد؛ به این معنا که هریک از قاضی، مدعی، مدعی علیه، وکیل، منشی و کارمند در نهاد قضا نسبت به یکدیگر هم تکلیف دارند و هم حق، در اخلاق قضا تقدم با تکلیف است؛ یعنی مبتنی است بر پایه «من وظیفه دارم و دیگران حق» یا «شما حق دارید و من تکلیف». اخلاق حرفه‌ای قضا شاخه‌ای کاربردی از اخلاق است که سعی دارد با استفاده از روش‌های تحلیل صحیح، درست و نادرست را در حیطه عملکرد امر خطیر قضا تبیین نماید (ایزدی فرد و حسین نژاد، ۱۳۹۷: ۲۱).

موارد و موضوعاتی که در اخلاق حرفه‌ای قضا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، نه به-عنوان آداب قضا است که جزء مستحبات و مکروهات باشد و قاضی در انجام یا عدم انجام آن مسئولیتی ندارد و نه جزء احکام قضا و حکم قضایی است که به‌عنوان ارکان و عناصر مؤثر در صدور حکم در فرآیند دادرسی مطرح است اما در عین حال به‌عنوان تکلیف جهت رعایت حقوق طرف ارتباط (یعنی طرفین دعوا، شهود، وکیل و غیره) می‌آید. به بیان دیگر؛ اخلاق حرفه‌ای قضا عبارت است از مدیریت احساس برای حداکثرسازی احساس خدمت‌رسانی براساس حق محوری (عدالت قضایی) در فرآیندهای قضایی. به‌رحال فضای قانونی ناخودآگاه مدیریت احساس و عاطفه را درگیر خودش می‌کند، باید کاری کنیم که هر دو طرف احساس کنند که قاضی قصد خدمت‌رسانی دارد. در اخلاق حرفه‌ای قضا به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که علاوه بر اقدامات لازم در صدور و اجرای حکم، چه کاری بهتر است تا انجام داد؟

در اخلاق حرفه‌ای قضا، قاضی، خواهان، خوانده، شهود، وکیل، حضار، منشی و کارمند دادگاه نسبت به یکدیگر هم حق دارند و هم تکلیف، اما اصل بر تقدم تکلیف بر حق است؛ یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران براساس الگوی اخلاق حقوق محور.

انسان مسلمان در زندگی خود براساس دانایی به این امر است که اولاً درصدد تدوین مسئولیت‌های خود دقبال حقوق دیگران برمی‌آید و این‌که چگونه می‌توان به هر یک از آن مسئولیت‌ها به‌خوبی عمل کرد، ثانیاً می‌داند که احقاق حق در سایه عمل به تکلیف است؛ به این معناکه بهترین راه رسیدن به حق خود، رعایت حقوق دیگران و نیز عمل به وظایفی است که بر عهده انسان است. رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: «انسان مسلمان هیچ‌گاه دیگری را تحقیر نمی‌کند و حقوق دیگران را ضایع نمی‌سازد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۱۵۸).

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است که بی‌توجهی به حقوق دیگران در واقع بی‌توجهی به خدا و تحقیر اوست (حرّعاملی، بی‌تا، ج ۸: ۵۸۹).

تکلیف برحق که نقطه مقابل فرهنگ استبدادی رفتار ارتباطی «من حق دارم و دیگران وظیفه» اولاً موجب اعتمادآفرینی، بالا رفتن کیفیت، افزایش رضایت و مشارکت دیگران و جذب منابع انسانی و مالی و اعتباری و فناوری می‌گردد، ثانیاً انرژی منفی، ضایعات، ناامنی روانی و تنش‌های اجتماعی و فرهنگی را کاهش می‌دهد، ثالثاً براساس اصل مزبور، مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی

مبتنی بر نگرش کل‌گرایانه و سیستمی است؛ رابعاً در این تفکر، انسان فقط به انجام تکلیف، آن هم به‌نحو پسندیده و نیکو می‌اندیشد (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۱ و ۲۲).

اخلاق حرفه‌ای قضا مبتنی بر اصول مهمی است از جمله اصل تقوی محوری، به این معناکه در هر تصمیم و رفتار و احساس درونی، از خود بپرسم آیا خداوند راضی است. اصل برابری نسبت به قوانین، به این معناکه در هر رفتاری با فرد دیگر، ابتدا خودم را به‌جای او بگذارم و ببینم آیا چنین رفتاری را با خود می‌پسندم. اصل خدمت‌گزاری، یعنی احساس مسئولیت نسبت به هر فرد مرتبط و هرچیز مرتبط. اصل اخلاص، یعنی تلاش حداکثری بدون توقع برای انجام درخواست‌های دیگران. اصل بهبود مستمر، به این معناکه برای انجام تعهداتم نیاز به پیگیری دیگران نداشته باشم و خودم با دقت، تعهداتم را هر روز بهتر از دیروز به انجام برسانم.

با توجه به آنچه پیش آمد، می‌توان گفت که اولاً اخلاق قضا معطوف به رفتار قضایی براساس عدالت است، ثانیاً اخلاق قضا در متن قضا بوده و براساس آن (برخلاف آداب قضا) می‌توان حکم به وجوب یا حرمت داد، به‌گونه‌ای که در تنفیذ و قطعیت حکم مؤثر است. این وجوب یا حرمت بر مبنای ادله شرعی (کتاب و سنت)، بناء عقلا و احکام حکومتی براساس مصلحت و عدالت و انصاف است (همان: ۲۳).

فردی که آداب اخلاقی را رعایت می‌کند، خواسته‌های خود را به نفع دیگران تعدیل می‌کند و با تقویت و پرورش ابعاد معنوی همواره در راه خدمت به هم‌نوعان اقدام می‌نماید. رعایت شئون اخلاقی در محیط کار و نزد مراجعان یکی از مهم‌ترین اصول هر حرفه و شغل است. حرفه خطیر قضا نیز نه‌تنها از این قاعده مستثنی نیست، بلکه قضات به جهت سروکار داشتن با پرونده‌های مربوط به جان و مال و نوامیس مردم، می‌بایست بیش از هرکس مراعات اخلاق حرفه خود را نموده و شأن و جایگاه ویژه آن را در میان مردم حفظ نماید.

### ۳- اخلاق حقوق محور در نهاد قضا

عدالت قضایی که مبنای تحقق اخلاق حرفه‌ای در نهاد قضا است، نوعی رفتار قضایی و به بیان دیگر سبک زندگی قضایی است. و بدان معنا است که شخص به‌گونه‌ای رفتار کند که در صراط شریعت باشد و تصمیم و اراده‌اش بر این باشد که رفتار وی براساس کتاب و سنت و رعایت تقوای الهی انجام پذیرد. براساس آیات و روایات در سبک زندگی دینی، زندگی

انسان ارتباط کامل با ایمان به خدا، آخرت‌گرایی، خدمت به مردم و نقش مزرعه بودن حیات دنیوی دارد؛ بر خلاف سبک زندگی غیردینی که بر مبنای تفکر اومانیستی، لذت‌گرایی و هدف‌غایی بودن زندگی دنیوی استوار است. سبک زندگی در آموزه‌های دینی ارتباط تنگاتنگی با اخلاق حقوق محور دارد که مصداق بارز آن رساله الحقوق امام سجاد(ع) است. براساس جهان بینی اسلامی، سبک زندگی که همان شیوه زندگی است، مبتنی است بر مکلف بودن انسان در ارتباط با خود و دیگران. از این‌رو، انسان مسلمان، زبانش بیش از آن که زبان حق باشد، زبان تکلیف است، چون نگاهی که این نوع نگرش از انسان دارد، نگاه یک موجود مکلف است؛ هرچند که در کنار بیان تکالیف به حقوق آنان نیز توجه شده است (همان: ۷۰). از طرف دیگر، تحقق اخلاق حقوق محور براساس تقدم تکلیف بر حق در نهاد قضا، مبتنی بر رعایت اصول و مبانی در ارتباط با عدالت‌ورزی در حکم دادن و اجرای حکم است. این اصول و مبانی در سایه هماهنگی انسان با حق و عدم تقدم بر خدا و رسول او؛ یعنی متابعت از فرامین الهی، سیره نبوی و ائمه معصومین(ع)، حکم عقل و بناء عقلاء براساس سه اصل مصلحت، انصاف و عدالت شکل می‌گیرد. به بیان دیگر سه اصل مزبور، عوامل بسیار مهم در تحقق الهیات کاربردی است؛ یعنی تأثیر عملی دین و علوم الهی در زمینه‌های مختلف حیات بشری، زیرا دانش الهیات وظیفه‌اش دفاع از دین و ایمان، تبیین و تشریح آن برای مردم و انتقال فرهنگ دینی به متن جامعه و در زندگی مردم است. در الهیات کاربردی، بحث این است که چگونه می‌توان ایمان به خدا را در روابط و مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قضایی و فرهنگی جاری کرد و وفاداران و مؤمنانه به خداوند زیست. توجه به عنصر مصلحت، عدالت و انصاف در احکام شرعی، می‌تواند بسیاری از گره‌های شرعی، حقوقی و قضایی را بر طرف کند. البته به تعبیر محقق قمی مصلحتی (عدالت و انصافی) در شرع معتبر است که از حکم قطعی عقل نشئت گرفته شده باشد؛ مانند مصالح پنج‌گانه حفظ دین، نفس، مال، آبرو و نسل.

اساساً تأسیس دولتی مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه بدون پذیرش عنصر «مصلحت». «انصاف» و «عدالت» امکان ندارد، چنان‌که در عمل نیز جمهوری اسلامی ایران به این نقطه رسید و مجمع تشخیص مصلحت نظام را بنا کرد، تا آنجا که امام خمینی(ره) در این مورد فرمودند:

«حکومت می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی که جریان آن مخالف مصالح

اسلام است، از آن مادام که چنین است، جلوگیری کند».

شهید مطهری در این باره بیانی دارد که بسیار قابل توجه و دقیق است. وی می‌گوید: «اصل عدالت اجتماعی با همه اهمیت آن، در فقه ما مورد غفلت واقع شده است. درجایی که از آیاتی چون «و بالوالدین احساناً» و «اوفوا بالعقود» عموماتی از فقه به دست آمده است، ولی با این همه تأکیدی که قرآن کریم بر روی مسئله عدالت اجتماعی دارد، معه‌ذا یک قاعده و اصل عام در فقه از آن استنباط نشده و این مطلب، سبب رکود تفکر اجتماعی فقهای ما گردیده است» (همان ۱۳۹۷: ۷۱).

از طرف دیگر، با توجه به قاعده ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع، عرف و بناء عقلاء که تشخیص دهنده مصلحت و عدالت و انصاف هستند، شرعی بوده و حجت است. طبرسی گوید: «عرف عبارت است از هر روشی پسندیده که عقل مردم، خوبی و درستی آن را تشخیص دهد و نفس‌های مردم در پرتو آن آرامش یابد» و به گفته شهیدی: «بنای عقلاء در حقیقت همان عرف است، زیرا منظور از عرف، اُس ذهنی و روش اکثریت جامعه که ایشان عادتاً خردمند و مصلحت اندیش و پای‌بند نظم اجتماعی هستند، در روابط حقوقی می‌باشد» البته باید توجه داشت عرف و بنای عقلایی معتبر است که در دایره استنباط فقهی و بر پایه اصول و اجتهاد شرعی پیوند خود را با شریعت حفظ کند، چنان که امام خمینی (ره) بر آن تأکید داشته و بارها از واژه‌هایی چون فقه سستی و اجتهاد جواهری بهره می‌جوید (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۷: ۷۲).

براساس آنچه آمد، می‌توان گفت اصولی که به‌عنوان مبانی اخلاق حقوق محور در نهاد قضا مطرح است، با توجه به ادله شرعیه، بناء عقلاء و عنصر مصلحت و عدالت و انصاف و نیز براساس عدالت قضایی به‌عنوان اصول اولیه عقلایی، حاکم بر احکام فقهی بوده و قاضی ملزم به رعایت آن است. در نتیجه اولاً بایسته‌های اخلاقی نیز می‌تواند جزء بایسته‌های فقهی قرار گیرد، ثانیاً همه آن اصول و مبانی اخلاق حقوق محور از استحباب صرف یا کراهت صرف خارج شده و ریشه در احکام (وجوب و حرمت) پیدا می‌کند و صرفاً توصیه اخلاقی به‌شمار نمی‌رود. بسیاری از مباحثی که در آداب قضا آمده، اوامر ارشادی عقل پسند و مورد تأیید شرع هستند. در موارد منطقه الفراغ می‌توان با مراجعه به بنای عقلاء و عرف (آراء محموده) قانون‌گذاری کرد و چنین مواردی را قانوناً الزام نمود. بی‌شک در این صورت واجب حرام نشده و حرام نیز واجب نشده است، بلکه چیزی که واجب یا حرام نیست، واجب یا حرام شده است.

علاوه بر آنچه آمد، مبنای دیگری براساس ولایت فقیه قابل طرح است؛ بدین معنا که غیر از احکام اولیه و ثانویه، نوع دیگری به‌عنوان احکام حکومتی وجود دارد که براساس مصلحت عمومی جامعه به‌طور موقت از سوی فقیه مبسوط‌الید صادر می‌گردد و به حکومت اجازه می‌دهد مستحب شرعی و ارشادات عقلی را در قانون بیاورد و مکروهات عقلی را منع کند؛ مانند این که حُسن معاشرت در ازدواج الزام قانونی پیدا کند یا این که سن ازدواج را در یک سن خاص ممنوع سازد و یا ازدواج فامیلی به‌دلیل جلوگیری از عوارض آن ممنوع گردد.

#### ۴- عدالت قضایی و اخلاق حرفه‌ای قضا

بدون شک عنصر عدالت از جمله ارکان و زیربنای قضاوت است. لذا با توجه به اهمیت عدالت در نهاد قضا، پس از روشن شدن ماهیت اخلاق حرفه‌ای قضا در فصل اول، قبل از ورود به بحث از شاخصه‌های اخلاق حرفه‌ای قضا، لازم است مفهوم عدالت و اشتراط آن در قاضی و اهمیت آن در نهاد قضا به‌عنوان مبنای اخلاق حرفه‌ای قضا، روشن شود. در این فصل به تحلیل هر یک از این مباحث پرداخته می‌شود. بدون تردید مبنای اصلی اخلاق حرفه‌ای قضا، عدالت قضایی در صدور و اجرای احکام است. در حوزه سیاست و اجتماع، دادورزی و اجرای عدالت با سابقه‌ترین آرمانی است که همواره دغدغه خاطر حکیمان و مصلحان اجتماعی بوده است. افلاطون کتاب جمهوری را به‌منظور تبیین این اندیشه نوشت. او معتقد بود که مدینه فاضله زمانی شکل می‌گیرد که حاکم مدینه، خود را وقف عدالت کند و جامعه بر محور عدل سامان یابد.

- فارابی در «سیاست مدینه»، بر این رویکرد تأکید کرد که وظیفه سیاست‌مدار مدینه، نظام‌مند ساختن روابط اعضای جامعه براساس عدل است.

- خواجه نصیر طوسی در «اخلاق ناصری» عدالت را مبنای حقوق دانسته و بر این باور است که عدالت زمینه‌ساز تعاون و تعاون شرط تکامل اجتماعی است.

- در اسلام یک ساعت عدالت‌ورزی از هفتاد سال عبادت برتر است. عدل، منطبق قرآن، زندگی، پایداری قدرت، نظام حکومت، معیار سیاست‌ورزی، نور چشم حکومت‌ها، زیبایی سیاستمداران، آسودگی، فزاینده برکت، عزت، بزرگی و موجب آبادانی و عمران شهرها است (نظری توکلی، ۱۳۹۸: ۵۲).



- عدالت یعنی اعطای حق هر ذی‌حق به وی (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۷) پس حق و عدالت در کنار هم معنا می‌یابند. با اجراء عدالت می‌توان باور داشت که مردم به حق خود رسیده‌اند.

- در واقع در برابر هر حقی، تعهدی عام وجود دارد؛ یعنی هر حقی به نفع یک فرد یا یک جمعیت موجب حقی دیگر است که آن‌ها را متعهد می‌کند. هر حقی وقتی الزام‌آور می‌گردد که دیگری هم وظیفه خود را در مورد حقوقی که بر عهده دارد، انجام دهد. بنابراین، اعطای حق؛ یعنی مراعات حقوق دیگران. عادل بودن قاضی و اجرای عدالت قضایی توسط او گامی بسیار مهم در تحقق اخلاق حقوق‌محور در نهاد قضا است. به همین جهت عدالت به عنوان یکی از شرایط احراز منصب قضا و عدالت قضایی از ویژگی‌های نظام حقوقی اسلام به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر قانون‌گذار ایران نیز با پیروی از فقه امامیه، شرط عدالت قاضی را مورد تأکید قرار داده است. اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه به‌عنوان عالی‌ترین مقام این قوه را استخدام قضات عادل و شایسته مقرر داشته است. هم‌چنین در اصل ۱۶۳ قانون اساسی آمده که صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود. وانگهی بهره‌مندی از عدالت در دادرسی‌ها و محاکمات قضایی به‌عنوان یکی از حقوق ملت، در حقوق اسلام و قوانین مختلف کشور مورد تأکید قرار گرفته است و به دلیل اهمیت آن، قانون‌گذار ایران ایجاد مانع برای تحقق عدالت قضایی را جرم تلقی و برای آن مجازات تعیین کرده است. عدالت در قضاوت که در اصول ۳۲ تا ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته، مبتنی است بر رعایت عدل و انصاف نسبت به حقوق دیگران و احساس تکلیف در برابر آن. از این‌رو، کسی که بر مسند قضاوت می‌نشیند اولاً برای دیگران حق قائل است. ثانیاً در برابر حقوق دیگران احساس مسئولیت کرده و خود را ملزم به رعایت آن می‌داند. رعایت عدالت قضایی در امر قضاوت، زمینه‌ساز تحقق محاکمه عادلانه، رعایت حقوق طرفین دعوا و احقاق حق است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۳۳).

در بحث از شخصیت اخلاقی قاضی، مسئله عدالت، نقش محوری دارد. عدالت قاضی به‌عنوان مبنای اخلاق حرفه‌ای قضا که زمینه ساز «عدالت قضایی» در سیستم قضایی می‌گردد، از دو منظر قابل بحث است؛ یکی شرط عدالت در قاضی، و دوم عدالت قاضی در انجام قضاوت. بدون شک قاضی عادل می‌تواند مجری عدالت در امر قضا باشد و در حقیقت تحقق عدالت در قاضی زمینه‌ساز تحقق عدالت در نهاد قضا است. به همین جهت است قوانینی که در رابطه با استخدام قضات به تصویب رسیده، همگی عدالت را به‌عنوان شرط تصدی امر

قضا معرفی کرده‌اند.

## ۵- اخلاق حرفه‌ای قضا و عدالت قضایی

عنصر عدالت بدون شک از جمله ارکان و زیربنای قضاوت است. بنابراین با توجه به اهمیت عدالت در نهاد قضا، پس از روشن شدن ماهیت اخلاق حرفه‌ای قضا، لازم است مفهوم عدالت و اشتراط آن در قاضی و اهمیت آن در نهاد قضا به عنوان مبنای اخلاق حرفه‌ای قضا، روشن شود.

### ۵-۱- عدالت در نهاد قضا

بدون تردید مبنای اصلی اخلاق حرفه‌ای قضا، عدالت قضایی در صدور و اجرای احکام است. در حوزه سیاست و اجتماع، داورزی و اجرای عدالت با سابقه‌ترین آرمانی است که همواره دغدغه خاطر حکیمان و مصلحان اجتماعی بوده است. افلاطون کتاب جمهوریت را به‌منظور تبیین این اندیشه نوشت. او معتقد بود که مدینه فاضله زمانی شکل می‌گیرد که حاکم مدینه، خود را وقف عدالت کند و جامعه بر محور عدل سامان یابد.

- در اعتقادات اسلامی، عدل همانند توحید در تمام مسائل اجتماعی، اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی نظام تجلی دارد.

- در «اخلاق ناصری» خواجه نصیر طوسی عدالت را مبنای حقوق دانسته و بر این باور است که عدالت زمینه‌ساز تعاون و تعاون شرط تکامل اجتماعی است.

- عدالت یعنی اعطای حق هر ذی‌حق به وی (سیدرضی، ۱۳۷۹؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۳۷). پس در کنار هم حق و عدالت معنا می‌یابند. با اجرا شدن عدالت می‌توان گفت که مردم به حق خود رسیده‌اند.

- در واقع در برابر هر حقی، تعهدی عام وجود داشته؛ یعنی هر حقی به نفع یک فرد یا جمعیت موجب حقی دیگر می‌شود که آن‌ها را متعهد می‌کند. هر حقی وقتی الزام‌آور می‌گردد که دیگری هم وظیفه خود را در مورد حقوقی که بر عهده دارد، انجام دهد. بنابراین، اعطای حق؛ یعنی مراعات حقوق دیگران. یک قاضی عادل و اجرای عدالت قضایی توسط وی گامی بسیار مهم در تحقق اخلاق حقوق در نهاد قضا می‌باشد. به‌همین علت عدالت به‌عنوان یکی از شرایط احراز منصب قضا و عدالت قضایی از ویژگی‌های نظام حقوقی اسلام به‌شمار می‌رود.

از طرفی قانون‌گذار ایران، شرط عدالت قاضی را مورد تأکید قرار داده است. اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه به‌عنوان عالی‌ترین مقام این قوه را استخدام قضات عادل و شایسته مقرر داشته. هم‌چنین در اصل ۱۶۳ قانون اساسی آمده که صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

وانگهی بهره‌مندی از عدالت در دادرسی‌ها و محاکمات قضایی به‌عنوان یکی از حقوق ملت، در حقوق اسلام و قوانین مختلف کشور مورد تأکید قرار گرفته است و به دلیل اهمیت آن، قانون‌گذار ایران ایجاد مانع برای تحقق عدالت قضایی را جرم تلقی و برای آن مجازات تعیین کرده است. مسائل فراوانی بحث از تحقق اخلاق حرفه‌ای قضا، به میان می‌آید: در دستگاه قضایی هویت اخلاقی و ارکان آن به‌عنوان اخلاق سازمانی، مدیران نظام قضایی و شخصیت اخلاقی قضات. از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار آدمی خلقیاتی است که در نفس انسان ریشه دوانده و رسوخ پیدا کرده، از این رو، اسلام به اوصاف و ویژگی‌های اخلاقی قاضی اهتمام بسیار می‌ورزد و تنها کسانی را شایسته زمامداری می‌شناسد که از برجسته‌ترین اوصاف پسندیده بهره‌برند و از خصال نکوهیده پیراسته باشند. از جمله اوصافی که در این راستا در منابع دینی و به‌تبع آن نظام جمهوری اسلامی ایران برای قاضی در نظر گرفته شده، عدالت است.

#### ۲-۵- اخلاق حقوق محور در قضا

مبنای تحقق اخلاق حرفه‌ای در نهاد قضا عدالت قضایی است، که به‌نوعی رفتار قضایی و سبک زندگی قضایی است. و بدان معناست که رفتار شخص به‌گونه‌ای که در صراط شریعت است، باشد و تصمیم و اراده‌اش براساس کتاب، سنت و رعایت تقوای الهی انجام گیرد. براساس آیات و روایات در سبک زندگی دینی، زندگی انسان ارتباط کامل با آخرت‌گرایی، ایمان به خدا، خدمت به مردم و دارد؛ برخلاف سبک زندگی غیردینی که بر مبنای لذت‌گرایی و هدف‌غایی بودن زندگی دنیوی استوار است. در آموزه‌های دینی سبک زندگی ارتباط تنگاتنگی با اخلاق حقوق محور دارد که مصداق بارز آن رساله الحقوق امام سجاد(ع) است. براساس جهان‌بینی اسلامی، سبک زندگی، مبتنی است بر مکلف بودن انسان در ارتباط با خود و دیگران. از این رو، انسان مسلمان، زبانش بیش از آن‌که زبان حق باشد، زبان تکلیف است، چون نگاهی که این نوع نگرش از انسان دارد، نگاه یک موجود مکلف است؛ هرچند که در

کنار بیان تکالیف به حقوق آنان نیز توجه شده است. از سوی دیگر، تحقق اخلاق حقوق محور براساس تقدم تکلیف بر حق در نهاد قضا، مبتنی بر رعایت اصول و مبانی در ارتباط با عدالت‌ورزی در حکم دادن و اجرای حکم است. این اصول در سایه هماهنگی انسان با حق و عدم تقدم بر خدا و رسول او؛ یعنی متابعت از فرامین الهی، سیره نبوی و ائمه معصومین(ع)، حکم عقل و بناء عقلاء بر اساس سه اصل انصاف، عدالت و مصلحت شکل می‌گیرد. به بیان دیگر سه اصل مزبور، عوامل بسیار مهم در تحقق الهیات کاربردی است؛ یعنی تأثیر عملی دین و علوم الهی در زمینه‌های مختلف حیات بشری، زیرا دانش الهیات وظیفه‌اش دفاع از دین و ایمان، تبیین و تشریح آن برای مردم و انتقال فرهنگ دینی به متن جامعه و در زندگی مردم است. بحث در الهیات کاربردی، این است که چگونه می‌توان ایمان به خدا را در روابط و مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قضایی و فرهنگی جاری کرد و وفادارانه و مؤمنانه به خداوند زیست. توجه به عنصر مصلحت، عدالت و انصاف در احکام شرعی، می‌تواند بسیاری از گره‌های شرعی، قضایی و حقوقی را بر طرف کند (میرزای قمی، ۱۴۳۰: ۲۰۸).

### ۳-۵- استقلال قضایی

استقلال قضایی وقتی است که قضات در مقام دادرسی صرفاً براساس موازین قانونی و دستورات وجدانی خود به دور از هرگونه نفوذ یا فشار بیرونی و درونی مبادرت به صدور حکم نمایند. استقلال قضایی مفهومی است که وضعیت مطلوب بخش قضایی حکومت را نشان می‌دهد. این مفهوم این ایده را دربر می‌گیرد که فرد فرد قضات و بخش قضایی به-طورکلی به دور از نفوذ ایدئولوژیک فعالیت نمایند. باید میان استقلال شخصی یا تصمیم‌گیری قضات، آزادی صدور هرگونه حکمی بدون اعمال نفوذ خارجی و استقلال قوه قضاییه، توانایی عملکرد بدون حمایت قابل توجه از سوی سایر شاخه‌های دولت تمایز قائل شد. دو دلیل اساسی برای ضرورت استقلال قاضی، خطیر بودن امر قضا و در خطر بودن قاضی است (توکلی کیا، ۱۴۰۰: ۱۵).

### ۶- اخلاق حرفه‌ای قضا در اسلام

الگوهای رفتاری در سطح نهادها و سازمان‌های اجتماعی، وحدت‌بخش جامعه دینی است. تعریف کلی الگوهای اخلاقی و رفتار ارتباطی، مسئولیت‌پذیری در برابر حقوق افراد

است. جامعه دینی از حیث تعامل سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی در آن و نیز از نظر رفتار ارتباطی افراد، متضمن مسائل فراوانی است. این مسائل از تعیین دینی چنین جوامعی سر برمی‌آورند و با تعیین دینی نیز باید پاسخ یابند. اخلاق، سامان‌دهنده رفتار ارتباطی در مقیاس فرد، سازمان، جامعه و روابط جهانی است. رفتار ارتباطی درون‌شخصی و برون‌شخصی فرد در زندگی شخصی و زندگی شغلی، از طریق اخلاق سامان و انسجام می‌یابد. هم‌چنین رفتار ارتباطی سازمان با محیط و نیز تعامل نهادهای اجتماعی با یکدیگر، در دو سطح ملی و جهانی، بر مبنای اخلاق قوام می‌یابد. برای تعیین مؤلفه‌های کاربردی اخلاق حرفه‌ای (اسلامی)، می‌توان از اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای در اسلام استفاده کرد؛ اصول راهبردی اصلی (در اسلام) عبارت‌اند از: احترام اصیل و نامشروط به انسان‌ها، رعایت آزادی انسان‌ها، برقراری عدالت در مورد انسان‌ها، امانت‌ورزی در رفتار و بینش شخصی (عاملی، ۱۳۸۱: ۷۶).

اخلاق حرفه‌ای در نظام اداری جمهوری اسلامی باید هویت اسلامی داشته باشد و مبتنی بر اخلاق اسلامی شکل بگیرد. برای داشتن هویت اسلامی اخلاق حرفه‌ای در کشورمان، به چهار دلیل می‌توان اشاره کرد: الف) از لحاظ فرهنگی به دلیل وابستگی توده مردم کشورمان به نظام عقیدتی اسلام از لحاظ دینی به دلیل جداناپذیری اخلاق از دین در متن دین اسلام؛ ج) نیاز به پویایی درون فرهنگ اسلامی با توجه به مواجهه آن با چالش جهانی شدن؛ د) از لحاظ نظام حکومتی، الزام به حکومت دین‌مدار در نظام حکومت دینی و از لحاظ قانونی، به تأکید قانون اساسی - در اصل هشتم - بر تصویب قوانین اسلامی در کشور. نظام اخلاق اسلامی به گونه‌ای است که با اخلاق حرفه‌ای در هم آمیخته و تفکیک‌ناپذیر است؛ زیرا در این نظام ملاک نهایی و نهایت سعادت بشری، الله است و انسان در مقام خلیفه و جانشین الهی در زمین، محور توجهات اخلاقی است؛ بدین معنای خشنودی انسان و خدمت به او موجب رضایت و تقرب به خداوند می‌شود؛ از این‌رو، نظام اخلاق اسلامی با توجه به ملاک نهایی، در صدد است با ارائه دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اخلاقی در سطح حرفه و زندگی اجتماعی و هم‌چنین با در نظر گرفتن پیشرفت‌های مادی در جهت بهبود زندگی انسان‌ها، زمینه سعادت و کمال حقیقی بشر را فراهم آورد. درباره مورد اخیر باید گفت در اخلاق حرفه‌ای اسلامی، ملاک نهایی اخلاق همانا خواست خداوند - خیر مطلق - است. مهم‌ترین اصول راهبردی که می‌تواند منشأ شکل‌گیری مؤلفه‌های کاربردی اخلاق حرفه‌ای (اسلامی) شوند، عبارت‌اند از: الف) کرامت

انسانی؛ ب) آزادی فردی؛ ج) عدالت اجتماعی در مفهوم عام قرار دادن هر امری در جایگاه شایسته آن؛ د) امانت‌ورزی در دو سطح امانت‌داری و بینش امانت‌نگری (عاملی)، در این بین، اصل چهارم مهم‌ترین اصل (اصل‌الاصول) است (امیری، همتی و مبینی، ۱۳۹۷: ۹).

مفهوم امانت‌داری در کسب‌وکار، قابل تجزیه به سه پرسش است: ۱. چه چیزی در کسب‌وکار مورد امانت قرار می‌گیرد؟ ۲. مراد از امانت‌داری در قبال آن امور چیست؟ ۳. صاحبان امانت کیستند؟ البته امانت‌داری در حرفه نمی‌تواند به معنای عدم تصرف باشد؛ زیرا تصرف و به‌کارگیری مقوم کسب‌وکار است؛ بلکه تصرف در حرفه دو گونه است: امانت‌دارانه و غیرامانت‌دارانه. در این زمینه تصرف امانت‌دارانه استفاده بهینه و شایسته است. ضامن امانت‌داری در نگرش اسلامی این بینش است که عالم همه محضر خداست. با این نگاه، فرد با بصیرت ایمانی به امانت‌نگری در جهان هستی می‌رسد و همه چیز از جمله خود را امانت خداوند می‌داند. پس در مواجهه با همه‌چیز و در استفاده از همه امور، راه امانت‌داری را می‌پیماید و چنین حزم و احتیاطی تقوا است. اصول منشور اخلاقی در اسلام، در همه حرفه‌ها مشترک است؛ ولی تفاوت حرفه‌ها در فروع است. بدین ترتیب، اصولی را که از منابع اسلامی به دست می‌آید، می‌توان در تمامی حرفه‌ها جاری ساخت. پس باید اخلاق اداری و سازمانی جزو برنامه‌های آموزش در سازمان قرار گیرد (میرسپاسی، ۱۳۸۱: ۵۲).

## ۷- اخلاق حرفه‌ای قضا پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی دستگاه قضا در برخورد با مفسدین ملاحظه ارتباطات اجتماعی آنان را نکرده و یا در این راستا بسیار موفق عمل کرده است، بسیاری از معترضین به قوه قضائیه نه توده‌های مردم که وابستگان به گروه‌ها و جریانات متنفذ سیاسی هستند که برخورد با خود را به دلیل ارتباطاتی که دارند نمی‌پذیرند و نمی‌پسندند. پس از پیروزی انقلاب به دلیل همکاری نزدیک نهاد روحانیت با نظام اسلامی و وظایف بنیادین این نهاد در تقویت جمهوری اسلامی امام خمینی(ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی برای جلوگیری از تخلفات این قشر و ضربات ناشی از آن به اسلام دستور تشکیل دادگاه ویژه روحانیت را صادر کردند. امام خمینی(ره) در پیامی به تاریخ سوم خرداد ۱۳۵۸ در این زمینه تاکید کردند: «... با آن‌که در اسلام برای مجازات مجرمین، فرقی میان گروه‌ها نیست و همه درمقابل قانون،

برابرهستند، باید مجرمینی که با پوشیدن لباس روحانیت، خود را در این صف وارد کرده‌اند، به مجازات برسند... نظر به این‌که روحانیون، از حال معممین بهترآگاه هستند، در شهرستان‌ها به‌وسیله‌ی علمای اعلام درجه‌ی اول، هیئت‌هایی مرکب از سه نفر اهل علم مورد وثوق و دونفر از معتمدین محل، تشکیل و مأموریت رسیدگی به پرونده‌های اشخاص به صورت روحانی یا اهل منبر را به آنان بدهند و پس از ثبوت جرم، شرعاً تحت نظر دادگاه انقلاب اسلامی به مجازات برسند.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸، ج ۷، ۴۶۶).

این دادگاه در طول فعالیت خود به اتهام بزرگان زیادی رسیدگی و احکام خود را صادر کرده است، در طول چهار دهه گذشته نیز در برابر این اجرای عدالت از سوی نظام اسلامی بسیاری از گروه‌ها ایستادگی کرده‌اند، جمهوری اسلامی نه تنها با افراد فاسد و متهمین به فساد در هر پست و مقامی برخورد می‌کند بلکه برای روحانیونی که در این لباس مرتکب تخلف شده‌اند دادگاه ویژه تشکیل می‌دهد تا به سرعت به اتهامات آنان رسیدگی شود. این خود نقش نهاد قضا در تقویت و ماندگاری جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد، دستگاه قضا در جمهوری اسلامی با برخورد شدید با این متهمین در هر لباس و رتبه‌ای اعتماد عمومی را به‌دست آورده و باعث تقویت نظام مقدس اسلامی شده است.

#### ۸- اصول رفتاری اخلاق حرفه‌ای قضا در دادگاه‌های پس از انقلاب اسلامی

خط رفتار قاضی در جلسه دادگاه براساس اصول اجرای عدالت تعیین می‌شود: علنی بودن دادرسی، خصومت و حقوق مساوی طرفین، اختیار، بی‌واسطه‌بودن، استمرار، قانونی بودن، استقلال همراه با جوانب. رفتار قاضی که خارج از قانون است، مانند روابط با شرکت-کنندگان در جلسه، فضای کلی اخلاقی و اخلاقی، رعایت موازین رویه‌ای در اجرای عدالت، فرهنگ عمومی فرآیند. قاضی رسیدگی‌کننده باید در زمان مقرر شروع به کار کند. در جلسه دادگاه نباید به‌دلیل مشکلات دیگر حواس او را از پرونده مورد بررسی منحرف کرد. دادن یادداشت به قاضی در طول جلسه یا تماس تلفنی با قاضی از اتاق دادگاه اخلاقی نیست. این عوامل و عوامل مشابه آن تأثیر منفی بر برداشت شهروندان از قوه قضائیه دارد. باید به‌خاطر داشت که احضار به دادگاه برای اکثر افراد یک موقعیت استرس‌زا است، بنابراین اجرای عدالت واقعی همیشه مستلزم برخورد صحیح با هر فردی است که از آستانه دادگاه عبور کرده

است. از نظر ذهنی خود را به‌جای شخصی که با او صحبت می‌کنید قرار دهید و سعی کنید تصور کنید که او در هنگام برقراری ارتباط با شما چه احساسی دارد. وقتی یاد بگیرید که دیگران را درک کنید، منصف و قابل احترام خواهید بود. یکی همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتیجه کار دادگاه نه‌تنها به تعیین رویه بررسی شواهد با در نظر گرفتن نظرات شرکت‌کنندگان در فرآیند بستگی دارد، بلکه به تعدادی از عوامل دیگر نیز بستگی دارد، از جمله یک حرفه‌ای بودن، تجربه، ویژگی‌های شخصی قاضی و سایر عوامل جایگاه برجسته‌ای را اشغال می‌کند (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۹).

#### ۹- اقتضائات اخلاق حرفه‌ای و برخی مصادیق نقض آن پس از انقلاب اسلامی

در این گفتار، آنچه در درک موارد بحث برانگیز در مورد قانون‌گذاری، مرتبط با ارزش‌ها و به‌تبع رفتار صاحبان حرفه قانون‌گذاری در این زمینه مدنظر است، مورد بحث واقع می‌شود و با مبنا قرار دادن «معیار اخلاقی» به‌عنوان معیار رفتار اشخاص با توجه به هدف این پژوهش، بنابر استقرای ناقص، اقتضائات اخلاق قانون‌گذاری و برخی مصادیق نقض آن در قوانین ایران را تبیین می‌کنیم.

##### ۹-۱- حمایت قانون‌گذار از اخلاق

یکی از وظایف قانون‌گذار آن است که از اتخاذ تصمیم‌های مغایر با ارزش‌های اخلاقی اجتناب کند؛ زیرا اتخاذ چنین تصمیمی علاوه بر این که ذاتاً عملی غیراخلاقی است، در شرایط دموکراتیک، نقض پیمان اجتماعی موجود میان مردم و قانون‌گذار منتخب ایشان نیز محسوب می‌شود. در مورد ارتباط حقوق و اخلاق، با نفی تساوی و تباین میان دو مفهوم کلی اخلاق و حقوق، قائل به رابطه منطقی عموم و خصوص من وجه میان این دو مفهوم هستیم. آن دسته از ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی که جنبه اجتماعی دارند و نقض آن‌ها به زیان دیگران یا نادیده گرفتن مصالح عمومی اعم از مصالح مادی و ارزش‌های معنوی می‌شود بخشی از حوزه حقوق را هم شامل می‌شود. اصحاب حرفه قانون‌گذاری باید متوجه این معنا باشند، حمایت از این سطوح مشترک وظیفه اخلاقی آنان است (مرادی، ۱۳۹۸: ۲۷۰).

با لحاظ مطلب فوق، ذکر چند نکته ضروری به‌نظر می‌رسد: اول، در مواردی که آحاد مردم برای پذیرش اخلاقی بودن یک رفتار، مقاومت نشان می‌دهند به‌کار گرفتن الزام از طریق قانون‌گذاری، اثربخش نخواهد بود.

دوم، مجازات برای یک رفتار باید با تأکید غیراخلاقی بودن آن از جانب جامعه، همراه



باشد و رعایت نکردن این امر، به «گسستگی اخلاقی» منجر می‌شود؛ به این توضیح که در برخی موارد قابلیت مجازات رفتارهای خاص با قبح اجتماعی آن نسبتی ندارد که از آن به گسستگی اخلاقی یاد می‌شود.

سوم، اگرچه قانون‌گذار در راستای تأمین امنیت اخلاقی جامعه نیز بر می‌آید، اما این اقدام، موجب آسیب نیز هست؛ به این توضیح که ممکن است دخالت حکومت در تأمین امنیت اخلاقی، به مسئولیت‌پذیری جامعه در برابر سست شدن تقیدهای اخلاقی بیانجامد و انگیزه فعل اخلاقی افراد از بین برود. یعنی اگر حمایت از اخلاق در همه موارد بر دوش حکومت قرار گیرد، راه برای بی‌مسئولیتی اجتماعی و بی‌توجهی جامعه در برابر منکر و تشویق به معروف، باز می‌شود و رفته رفته مردم به این باور می‌رسند که پاسداشت اخلاق فقط بر عهده حکومت است نه آحاد مردم.

چهارم، از دیدگاه اخلاقی اتخاذ تصمیمات مغایر با ارزش‌های اخلاقی، نقض پیمان اجتماعی موجود میان مردم و قانون‌گذار منتخب ایشان نیز هست. در عمل نیز چنین تصمیمی به دلیل مقاومت‌های عمومی، چندان مجال و موقعیت اجرا نخواهد یافت. در چنین شرایطی پیشنهاد شده است دولت اخلاق‌گرا به جای توسل به قدرت سیاسی و الزامات قانونی باید به راه‌حل‌های مدنی تمسک جوید و در صورت عدم کارایی این راه‌حل‌ها یا باید از اجرای اخلاق موردنظر خود صرف‌نظر کند یا با کناره‌گیری از حکومت و بازگشت به حوزه اجتماع در قالب فعالیت‌های اجتماعی و مدنی به نقد اخلاق جامعه بپردازد (شاطری‌پور اصفهانی و یامین‌پور، ۱۳۹۵: ۲۶۰).

قانون‌گذاران به حکم اخلاق و باید قانون را اخلاقی، وضع و تقریر کنند. «قانون اخلاقی» قانونی است که ماهیت آن متضمن عنصری از ناصر اخلاقی باشد، یا از حیث غایت و فایده معطوف به غایت یا فایده‌ای اخلاقی باشد یا دست‌کم منتهی به نقض لرزشی از «ارزش‌های اخلاقی» نشود (امیدی، ۱۳۸۸: ۵۷۳). قانون‌گذار، خودمختار نیست و باید در فرآیند قانون‌گذاری به اصول و قواعد مذکور پایبند باشد؛ زیرا منشأ ارزش‌های مدنظر ضرورت‌های اجتماعی، اخلاقی، دین، تمدن و فرهنگ جامعه است و این موارد باید مدنظر قانون‌گذار باشد؛ ضمن این‌که «قانون‌گذاری» مصداق بارز فعل و تصمیم‌گیری اخلاقی است.

البته در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت حمایت قانون‌گذار ایرانی با اتخاذ رویکردی

تلفیقی از «اخلاق‌گرایی قانون‌اعتدالی» و «کمال‌گرایی قانونی» در راستای حکایت از اخلاق و در محدوده ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی که «جنبه اجتماعی» دارند و بر خلاف «مصلح عمومی» است، ضمن توجه به رشد فضیلت در شهروندان و ارتقای معنویت ایشان، به جرم-انگاری پرداخته است.

چنان‌که اولاً، مجوز این اقدام در بند اول اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را در راستای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی به‌کار برد» و از جمله اقدامات مبارزه با مظاهر فساد (مانند جرایم)، در کنار سایر اقدامات مقتضی در حالت استثنایی و وهله آخر و رعایت قواعد و ضرورت و حداقل بودن حقوق جزایی، جرم‌انگاری است. هم‌چنین در ماده ۹۷۵ قانون مدنی مقرر شده است: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه ... باشد به موقع اجرا بگذارد، اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.»

ثاناً، در قوانین جزایی ایران جرایمی وجود دارد که منشأ آن‌ها اخلاق جامعه است. برای حمایت از اخلاق اجتماعی، حقوق ایران رویکرد سخت‌گیرانه‌ای اتخاذ کرده است. برای مثال، در قانون جزایی ایران، ضمن جرم‌انگاری حدود، در مواد ۲۱۷ به بعد از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در برخی مواد، نظر بر ارزش‌هایی مانند نسل (در جرایمی مانند زنا، سحاق، لواط، تفخیز و قوادی)، عرض (در جرمی مانند قذف)، عقل (در جرمی مانند شرب مسکر) داشته است و در بخش تعزیرات همان قانون مصوب ۱۳۷۵، طی مواد ۶۳۷ تا ۷۱۴ فصلی را به «جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی» و در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، طی مواد ۱۴ و ۱۵ فصلی را به «جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی» اختصاص داده است (مرادی، ۱۳۹۸: ۲۷۲).

از دیگر سرفصل‌هایی که منشأ اخلاقی دارند و اتفاقاً قانون‌گذار، نظر خاص بر صاحبان حرفه و شغل داشته است، فصل بیستم از قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است که در ماده ۶۴۸ قانون‌گذار با لحاظ ارزش رازداری در حرفه، برای کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند و در غیر موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند، ضمانت اجرا در نظر گرفته است.

هم‌چنین در قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی وابسته به

دولت مصوب ۱۳۶۰ طی ماده ۱۸، به بحث از ارتکاب اعمال خلاف اخلاق عمومی نیروی انسانی مدنظر پرداخته شده است. مثلاً در بندهای یک و چهار ماده مذکور اعمال منافی عفت عمومی و اعمال و رفتار خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغلی، ذیل اعمال خلاف اخلاق عمومی و جهت تعریف آن، ارائه شده است.

لازم به ذکر است درخصوص قوانین ناظر بر «اخلاق حرفه‌ای» و کدهای رفتاری، توسط قانون‌گذار، در عرصه ملی برای نمونه می‌توان به «قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۹۰ اشاره کرد که در آن، دولت موظف شده است تا نسبت به تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای کارگزاران نظام، اقدام کند و از اسناد بین‌المللی نیز می‌توان به‌طور خاص به «کنوانسیون مریدا» مصوب ۲۰۰۳ اشاره کرد که در آن، برای مبارزه با فساد، یکی از راهکارها را ضرورت رعایت «اخلاق حرفه‌ای» برای مقامات دولتی می‌داند و رعایت «کد (مجموعه) نظام رفتاری» را مدنظر قرار داده است و به این ترتیب حمایت قانون‌گذار کشورمان و نیز قانون‌گذار بین‌المللی از اخلاق، قابل استنباط است. البته از آن‌جاکه کنوانسیون مذکور، به‌طور کلی الزامات خاصی را برای قانون‌گذاری و جرم‌انگاری مطرح کرده است و نیز بعضاً با قانون اساسی برخی کشورها در تعارض است، پس وارد ساختن آن موارد در حوزه داخلی، ساده نیست و پایبندی کلی به آن در عرصه قانون‌گذاری توسط کشورهایی که ملحق به آن میثاق شده‌اند از جمله ایران، شایسته بلکه ضروری به نظر می‌رسد (همان: ۲۷۳).

#### ۹-۲- توجه و درک اصل حاکمیت قانون

«حاکمیت قانون» به معنای تبعیت احاد جامعه به خصوص مسئولین و زمامداران از قانون است و تمام اعمال حکومتی در چارچوب قانون قرار گرفته است و این اهرمی برای کنترل و اعمال محدودیت در اختیارات حکومت‌هاست. حاکمیت قانون یکی از اصول دموکراسی است که بر مبنای آن، قانون فراتر از هر چیز است و حاکی از نوعی بی‌اعتمادی به قدرت و مانعی در مقابل هرگونه نقض حقوق اشخاص و سوءاستفاده از آن توسط دولت‌هاست؛ تا قانون ابازر اعمال قدرت شخصی ایشان قرار نگیرد و به نوعی اخلاق عمومی در ساختار حکومت، ایجاد شود. به این ترتیب حاکمیت قانون، نوعی فضیلت اخلاقی در راستای تنظیم فعل قانون‌گذاری است و در مقابل آن رذیلت اخلاقی «حاکمیت به وسیله قانون» قرار دارد، به این معناکه قانون هم‌چون ابزاری در دست قدرتمندان است که به آن‌ها امکان می‌دهد تا سوءاستفاده‌های خود از

قدرت را در قالب و پوشش قانونی انجام دهند (مرادی، ۱۳۹۷: ۲۶۵).

اصل کلی «حکومت قانون»، پایه‌گذار «صلح پایدار اجتماعی» است و صلح تا آنجا برقرار می‌ماند که تدابیر و تمهیدات دولت، به صورت قانون تحقق یافته و از پویایی و نظم خاصی برخوردار باشد و مطابق اصل مزبور، هر یک از نهادهای دولت فقط با اقتداری که از قانون به دست می‌آورد عمل می‌کند؛ به عبارت دیگر، حکومت قانون یعنی تبدیل «قدرت» به «صلاحیت نهادینی» که با «حقوق» محدود می‌شود. اصل کلی فوق، متضمن اصول جزئی است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: لویت قانون اساسی، تبعیت سازمان اداری و قضایی از قانون، ممنوعیت قوه مجریه از هرگونه اقدام که مبنای تفنینی کافی نداشته باشد، اعمال بی‌واسطه حقوق بنیادین، تفکیک قوا، امنیت حقوقی (از قبیل دقیق و روشن بودن قواعد حقوقی، رعایت حریم خصوصی، عطف به ماسبق نشدن قوانین و ...)، مسوئلیت دولت (قوای عمومی، تناسب، حق اقامه دعوا و بهره‌مندی از تضمینات شکلی آیین دادرسی) (فلسفی، ۱۳۹۰: ۳۸ و ۴۱).

اصل مزبور در اصول متعددی از قانون اساسی ایران مدنظر واقع شده است. اصل موصوف، دارای دو برداشت است که البته قابل ترکیب و جمع می‌باشند: «برداشت شکلی» و «برداشت ماهوی یا محتوایی». در برداشت شکلی، پیش‌بینی‌پذیری نظام حقوقی، تأکید بر اهمیت قواعد شفاف بر وضع و اجرای قانون، تبعیت از قانون موضوعه یا تضمین و اعمال اصل قانونی بودن، به گذشته تسری نیافتن قوانین، ثبات نسبی قوانین، حایز توجه است که البته این برداشت، کیفیت محتوای قانون را تضمین نمی‌کند و نیازمند برداشت دیگر (ماهوی) هستیم.

برداشت ماهوی یا محتوایی، قانون را به رعایت معیارهای محتوایی و برخی ارزش‌های بنیادین مانند آزادی، برابری، عدالت و ... ملزم می‌سازد. در این برداشت بر آموزه‌های اخلاقی تأکید خاص شده است و طرفداران این برداشت، دولتی را تابع قانون می‌دانند که معیارهای فراحقوقی، مانند معیارهای اخلاقی را رعایت کنند. اصل حاکمیت قانون، هم از مبانی و هم اهداف اصلی حقوق عمومی است، مطرح و بالطبع اصل موصوف در این قلمرو نیز حاکم است. قانون در اینجا به مفهوم وجود چارچوب از پیش تعیین‌شده‌ای است که همه از آن آگاهی دارند و آینده رفتاری خود را می‌توانند پیش‌بینی کنند یعنی مرجع صالح وضع قانون، قاعده رفتار اجتماعی را با طی تشریفات خاص مشخص و آن را مستثنی کرده است و اشخاص می‌دانند در چه چارچوبی باید رفتار کنند و در صورت نقض آن، چه پیامدهایی

برایشان خواهد داشت. به نظر می‌رسد علی‌الظاهر میان فقهای شورای نگهبان اصل موصوف، یا به درستی درک نشده و یا پذیرفته نشده است و با این توجیه و استناد که یکی از منابع قانون اساسی، شرع است و قانون عادی براساس معیار شرعی نیز سنجیده می‌شود، در مواردی با استناد به شرع، مانع تحقق اصل حاکمیت قانون شده‌اند.

برای نمونه، در راستای شناسایی نقض اقتضای اخلاقی در سلوک قانون‌گذاری ایران می‌توان به طرح منع شکنجه اشاره کرد که در سال ۸۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، اما توسط شورای نگهبان با استناد به خلاف شرح بودن آن، مانع تصویب قطعی و تبدیل به قانون شدن آن طرح شدند. طبق ماده یک آن «هرگونه اعمال فشار جسمی و یا روانی علیه افراد در کلیه مراحل اعم از تحقیق و دادرسی و اجرای حکم، شکنجه محسوب و مرتکب وفق مقررات قانونی مجازات می‌شود.» سپس مصادیقی از شکنجه بیان شده است که شامل هرگونه اذیت و آزار بدنی و یا بی‌خوابی دادن به زندانی و یا ممانعت از ملاقات متهم با وکیل خود می‌شد و در ماده سه، مواردی که باید در کلیه اوراق بازجویی دقیقاً درج شود بیان شده بود. اما شورای نگهبان مواد مذکور را خلاف شرع اعلام کردند و طرح منجر به قانون نشد (استواری سنگری، ۱۳۹۶: ۳۵۱).

### ۹-۳- ممیزی اخلاقی مصوبات قانونی

یکی از مهمترین اقتضات اخلاقی ناظر بر قانون‌گذاری، ممیزی و احراز اخلاقی بودن مقررات و مصوبات است و رعایت نکردن آن یکی از مهم‌ترین مصادیق نقض اخلاق حرفه‌ای قانون‌گذار است. ممیزی مذکور، به معنای پرسش از منصفانه بودن، عادلانه بودن و سازگاری آن با اصول ارزش‌های انسانی است. (فرامرزقراملکی، ۱۳۹۳: ۲۴۸). این امر در قانون‌گذاری کشور ما مغفول واقع شده است؛ لذا پیشنهاد «بازرسی یا ممیزی اخلاقی قانون» توسط نهادهای ناظر بر کار قانون‌گذار و در جوامع دموکراتیک متمایل به اخلاق‌گرایی می‌تواند مفید باشد.

### ۹-۴- اخلاقی بودن ادبیات قانون

از دیدگاه ادبی و اخلاقی، قانون‌گذاری فرصتی مغتنم است، که با استفاده از آن می‌توان در ضمن بیان مقاصد قانونی، با انشای الفاظ و عبارات فصیح و خلق تعابیر و مضامین و اخلاقی، هم به زبان و ادبیات ملی، خدمتی ادبی کرد و هم به کاربران این زبان و ادبیات، درس و التزام کلام به اخلاق داد. التزام به اخلاق در شرح مذاکرات منتهی به تصویب قانون هم ضروری است. یعنی

موافقان و مخالفان یک طرح یا لایحه قانونی در توضیح موافقت یا مخالفت خود که غالباً ارتجالی و فی البداهه و بعضاً احساسی و از سربرانگیختگی است، باید به اصول اخلاقی پایبند باشند و از کاربرد تعابیر غیراخلاقی اجتناب ورزند. این مسئله از چند جهت مهم است: یکی این قانونگذار به-طورکلی الگوی اخلاقی جامعه است و گفتار او ممکن است به متن مصوب قانون راه یابد؛ دیگر اینکه ممکن است شرح مذاکرات بعدها مورد مراجعه مجریان و مفسران قانون و پژوهشگران حقوق واقع شود. برخورد با الفاظ و تعابیر غیراخلاقی در ضمن این مراجعات می تواند آثار مخربی در اخلاق عمومی داشته باشد (مرادی، ۱۳۹۸: ۲۹۲).

### نتیجه گیری

اخلاق حرفه‌ای، ملاحظاتی را دربر دارد که رفتار خوب حرفه‌ها را همراه و یا جدا از عوامل مصلحتی و قانونی، تعیین می‌کند. یکی از وظایف مهم این رشته، نقد حرفه‌هایی است که به رسمیت شناخته شده است؛ زیرا کنترل‌های قانونی محدودیت دارند و غالباً ناظر به بعد از نقض مقررات است؛ ولی رفتارهای اخلاقی با تأکید بر خودفرمانی از آسیب، خسارت و سایر مشکلات قبل از وقوع آن‌ها پیشگیری می‌کند. اشخاص ذی‌نفع از صاحبان حرفه‌ای که با آن مرتبط و به آن نیازمندند انتظار دارند که ایشان به تعهدات اخلاقی ملتزم و و مسئولیت-پذیر باشند و صاحبان حرفه نیز از دانش اخلاق انتظار دارند که به بیان نظام‌مند مسئولیت‌های اخلاقی در حرفه و به تشخیص دقیق و حل اثربخش مسائل اخلاق حرفه بپردازد.

نظر به مدل قانون‌گذاری عادلانه و متناسب و با توجه به این‌که معیار رفتار درست، اخلاق است، درکنار اصول و قواعد اخلاقی و انتزاعی مانند عدالت، انصاف، عدم تعدی، عدم خشونت، رعایت کرامت انسانی و حریم خصوصی؛ اقتضائات عملیاتی متعددی وجود دارد از جمله: حمایت قانون‌گذار از اخلاق، توجه و درک اصل حاکمیت قانون، ممیزی اخلاقی مصوبات قانونی، اخلاقی بودن ادبیات قانون که صاحب منصبان و سازمان‌های مربوطه، با رعایت این اقتضائات اخلاقی در قالب اخلاق حرفه‌ای قانون‌گذاری، دستگاه قضایی قادر است قوانینی عادلانه، شایسته و متناسب اجرا کند و به این ترتیب امنیت جامعه و اعتماد مردم را فراهم سازد.

در طول چهار دهه گذشته نیز در برابر اجرای عدالت از سوی نظام اسلامی بسیاری از

گروه‌ها ایستادگی کرده‌اند، جمهوری اسلامی نه‌تنها با افراد فاسد و متهمین به فساد در هر پست و مقامی برخورد می‌کند بلکه برای روحانیونی که در این لباس مرتکب تخلف شده‌اند دادگاه ویژه تشکیل می‌دهد تا به سرعت به اتهامات آنان رسیدگی شود. این خود نقش نهاد قضا در تقویت و ماندگاری جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد، دستگاه قضا در جمهوری اسلامی با برخورد شدید با این متهمین در هر لباس و رتبه‌ای اعتماد عمومی را به‌دست آورده و باعث تقویت نظام مقدس اسلامی شده است. با در نظر گرفتن قید اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بناشدن ساختمان این الگو بر آموزه‌های دین اسلام و مبتنی بودن آن بر مبانی هستی‌شناختی اسلامی و معرفت‌شناختی و شکل‌گیری آن در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی و از طرفی با توجه به دخالت تامه مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تحقق تمدن اسلامی، و از طرف دیگر با توجه به نکات بیان‌شده در رابطه با اخلاق حرفه‌ای قضا و قرار گرفتن اجرای قضاوت عادلانه از ارکان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تحقق تمدن اسلامی، در مجموع می‌توان به اهمیت اخلاق حرفه‌ای قضا در تمدن اسلامی و نقش آن در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دست یافت. تدوین «بیانیه‌های اخلاق قانون‌گذاری» توسط جامعه علمی به خصوص حقوقدانان و نخبگان کشور با مشارکت صاحب‌منصبان مجلس قانون‌گذاری نیز پیشنهاد می‌گردد: زیرا قانونمند بودن جامعه مستلزم آموزش و اقدامات درازمدت فرهنگی و اخلاقی در جامعه و نیز قانون‌گذاری درست و مقید به اخلاق است.

## کتابنامه

- استواری سنگری، کوروش (۱۳۹۶). «قوانین غیرقانونی»، مذکور در از حق‌مداری تا حکومت قانون. مجموعه مقالات اهدایی به محمد محمدی (گرگانی)، به اهتمام محمدرضا ضیائی بیگدلی، تهران: نشر گنج دانش.
- امام خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۵۸). صحیفه امام خمینی (ره) (تشکیل هیات‌هایی برای رسیدگی به جرایم روحانی نمایان). ج ۷، قم.
- امیدی، جلیل (۱۳۸۸). «اخلاق قانونگذاران»، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام، به اهتمام احد فرامرزق‌املکی، چ ۲، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- امیری، علی‌نقی؛ همتی، محمد و مبینی، مهدی. (۱۳۹۷). اخلاق حرفه‌ای؛ ضرورتی برای سازمان. دانشگاه الزهراء، دانشکده فیزیک و شیمی.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر و حسین‌نژاد، سیدمجتبی (۱۳۹۷). اخلاق حرفه‌ای قضا در تمدن اسلامی و نقش آن در الگوی اسلامی ایرانی. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت.
- پهلوان، طیبه و آرزومند، فاطمه (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی اخلاق حرفه‌ای قضات دادگاه‌ها». سومین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی، تهران، <https://civilica.com/doc/1171488>
- توکلی‌کیا، امید (۱۴۰۰). «اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی از منظر حقوق اسلامی». فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، ۲(۱۳)، صص ۱۳-۵۰.
- حرعاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. ج ۱، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سیدرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹ش). نهج‌البلاغه. ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشهور.
- شاطری‌پور اصفهانی، شهید و یامین‌پور، وحید (۱۳۹۵). فرهنگ، سبک زندگی و جرم. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- صالحی، محمد؛ حسینی‌درونکلایی، سیده‌زهرا و محمدی، شهربانو (۱۳۹۶). «رابطه استراتژی-های منابع انسانی با اخلاق حرفه‌ای کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مازندران». نشریه اخلاق زیستی، ۷(۲۴)، صص ۳۷-۴۵.



عاملی، منیژه (۱۳۸۱). بررسی مبانی نظری اخلاق حرفه‌ای در اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۰). صلح جاویدان و حکومت قانون. تهران: فرهنگ نشر نو.

فرامرزق‌راملکی، احد (۱۳۹۳). اخلاق حرفه‌ای. چ ۵، تهران: نشر مجنون.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

مرادی، امیر (۱۳۹۸). «اخلاق حرفه‌ای قانون‌گذاری کیفری با تأکید بر نظام حقوقی ایران». دانشنامه‌های حقوقی، ۲، صص ۲۶۵-۲۹۶.

مرادی، امیر (۱۳۹۷). اخلاق حرفه‌ای در گستره گُنش گران حقوق کیفری. تهران: انتشارات میزان.

میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۳۰ق). القوانین المحکمه فی الأصول، قم: بی‌جا.

میرسپاسی، ناصر (۱۳۸۱). مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار، تهران: نشر میر.

ورورایی، اکبر؛ سعادت، رضا و هاشمی، حمید (۱۳۹۳). «تأثیر اخلاق در جرم‌انگاری و جرم‌زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران». پژوهش حقوق کیفری، ۳(۸)، صص ۳۳-۶۲.